روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵ • ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۹ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۳۹ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۴

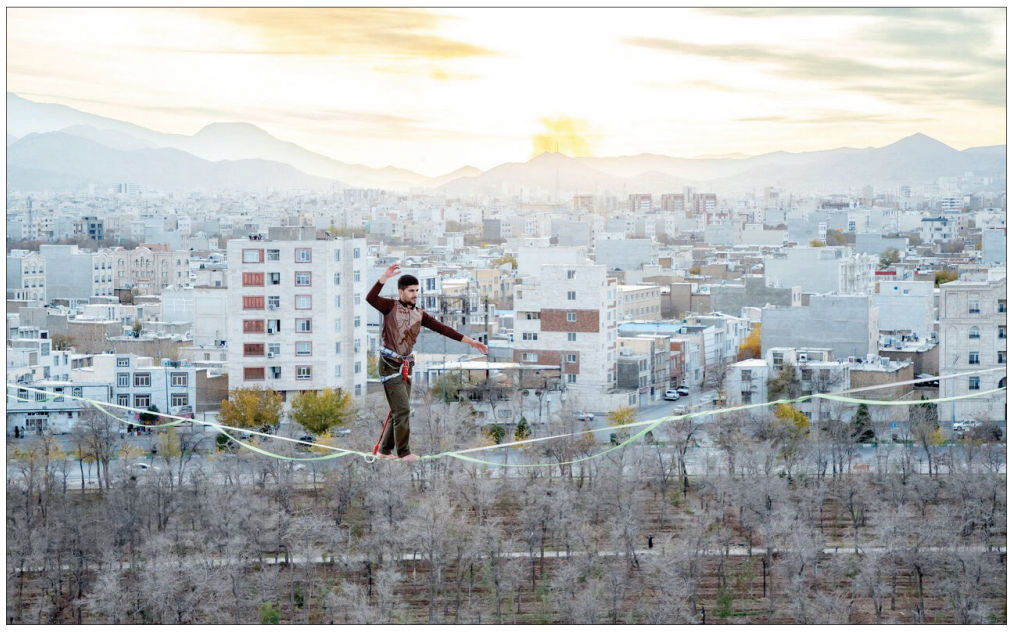

چهارمین پروژه شهری اسلک‌لاین در اراک، با برپایی لاین ۷۰متری در ارتفاع میان دو ساختمان ۱۰طبقه، در روزهای پنجشنبه و جمعه برگزار شد. در این رویداد، ۸ نفر از ورزشکاران رشته اسلک‌لاین در این مسیر به تمرین و اجرای حرکات نمایشی پرداختند. عکس: محمد اسدی، ایسنا

www.sharghdaily.com | aparat:tasvirshargh | Telegram:SharghDaily | youtube:sharghdaily | twitter:sharghdaily | instagram:sharghdaily1

فردا از امروز

آینده مطلوب، برای چه کسی؟



امیراحمد شیشه‌گر

واژه «بهتر» تا زمانی که معلوم نباشد چه کسی سود می‌برد، چه کسی هزینه می‌دهد و چه ارزشی معیار قضاوت است، معنای روشنی ندارد. در بسیاری از برنامه‌ها با عبارتی آشنا روبه‌رو می‌شویم: «ساختن آینده‌ای بهتر». جمله جذاب است، اما یک پرسش مهم را پنهان می‌کند: بهتر برای چه کسی؟ آینده‌ای که برای یک گروه فرصت می‌سازد، ممکن است برای گروهی دیگر هزینه، حذف یا ناامنی ایجاد کند. فرض کنید شهری تصمیم بگیرد تمام خدمات عمومی خود را دیجیتال کند. برای بخشی از شهروندان، این آینده به معنای سرعت، شفافیت و کاهش رفت‌وآمد است. اما برای سالمندی که مهارت دیجیتال ندارد، فردی که به اینترنت پایدار دسترسی ندارد یا کسی که توان استفاده از سامانه پیچیده را ندارد، همان آینده می‌تواند دسترسی به خدمات را دشوارتر کند. فناوری یکسان است؛ تجربه آینده یکسان نیست. این تفاوت نشان می‌دهد «آینده مطلوب» یک یافته علمی خالص نیست. داده می‌تواند پیامدها را روشن کند، اما انتخاب میان ارزش‌هایی مانند رشد، برابری، آزادی، امنیت، رفاه یا پایداری نیازمند داوری هنجاری است. آینده‌پژوهی زمانی دقیق‌تر می‌شود که این ارزش‌ها را پنهان نکند.

وندل بل، یکی از چهره‌های مهم این حوزه، میان شناخت آنچه ممکن یا محتمل است و داوری درباره آنچه باید ترجیح داده شود، تمایز می‌گذارد. در عمل، این دو به یکدیگر مرتبط هستند، اما یکی نیستند. ممکن است سیاستی از نظر اقتصادی کارآمد باشد، اما از نظر توزیع هزینه‌ها ناعادلانه تلقی شود. یا آینده‌ای از نظر فناوری امکان‌پذیر باشد، اما جامعه آن را نپذیرد. در پژوهش آینده، پرسش ارزش‌ها باید زودتر وارد فرایند شود، نه در آخر کار. اگر معیار موفقیت از ابتدا فقط «افزایش بهره‌وری» باشد، سناریوها نیز به احتمال زیاد همان چیزهایی را برجسته می‌کنند که بهره‌وری را افزایش می‌دهند.

اگر «کیفیت زندگی» یا «تاب‌آوری» نیز معیار باشد، مجموعه متفاوتی از شاخص‌ها و راه‌حل‌ها دیده می‌شود. این مسئله برای شرکت‌ها هم جدی است. محصولی که سودآوری بالایی ایجاد می‌کند، ممکن است حریم خصوصی، اشتغال یا محیط زیست را تحت فشار قرار دهد. مسئولیت آینده‌نگری شرکتی فقط یافتن بازار بعدی نیست؛ باید بپرسد چه پیامدهایی همراه با آن بازار ساخته می‌شود و کدام هزینه‌ها به بیرون از شرکت منتقل می‌شود. باربارا آدام و کریس گرووز در کتاب «مسائل آینده» بر پیامدهای اخلاقی شیوه‌هایی تأکید می‌کنند که با آنها آینده را می‌سازیم و مسئولیت آن را بر عهده می‌گیریم. آینده اخلاقی از جایی آغاز می‌شود که «بهتر» را به یک شعار خالی تبدیل نکنیم. پس هر بار که از آینده مطلوب سخن گفته می‌شود، سه پرسش ساده لازم است: چه کسی سود می‌برد؟ چه کسی هزینه می‌دهد؟ و چه ارزشی معیار «بهتر»بودن قرار گرفته است؟ بدون این سه پرسش، آینده مطلوب ممکن است فقط نام محترمانه‌ای برای ترجیح قدرتمندترین بازیگر باشد.

@shishehgar

خبرخوانی

آلودگی هوا در راه است

مدیرکل هواشناسی استان تهران از افزایش آلاینده‌های جوی و کاهش کیفیت هوا تا دوشنبه خبر داد. بر اساس نقشه‌های پیش‌یابی هواشناسی، طی چهار روز آینده آسمان استان تهران صاف تا نیمه‌ابری است و گاهی وزش باد پیش‌بینی می‌شود. البته باید در نظر داشت که هشدار زرد آلودگی شماره ۶ تا دوشنبه در تهران برقرار است و با توجه به اینکه پایداری جو افزایش می‌یابد و خبری از وزش باد قابل ملاحظه نیست، آلاینده‌های جوی افزایش می‌یابد و با کاهش کیفیت هوا مواجه هستیم. البته کمی جای امیدواری است که از بعدازظهر دوشنبه با ورود سامانه بارشی، افزایش ابر، بارش باران و وزش باد شدید موقتی در سطح تهران پیش‌بینی می‌شود و بارش باران و برف و مه در ارتفاعات دور از انتظار نیست.

از بحران سیاسی تا بازسازی



مهدی زارع

زمین‌لرزه ششم آذر ۱۳۵۸ در ساعت ۲۰:۴۰ به وقت محلی در منطقه قائنات در جنوب استان خراسان با بزرگای ۷.۲ و در دنباله شرقی گسلش در زمین‌لرزه ۹ شهریور ۱۳۴۷ دشت بیاض با یک شکستگی گسله به طول حدود ۶۰ کیلومتر رخ داد. این زمین‌لرزه ۱۳ روز بعد از زلزله ۲۳ آبان ۱۳۵۸ کوریزان-خواف و بر اثر چکانش و تحریک گسل اردکول قائن در زلزله ۲۳ آبان رخ داده است. مجموع تلفات دو زمین‌لرزه ۲۳ آبان و ششم آذر ۱۳۵۸ بین ۳۰۰ تا ۴۴۰ کشته گزارش شد. در ۲۶ دی ۱۳۵۷ زمین‌لرزه‌ای با بزرگی ۶.۵ رخ داد که با خسارت‌هایی در منطقه زیرکوه قائن همراه بود. در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ زمین‌لرزه کوریزان-خواف با بزرگای ۶.۸ در ساعت ۵:۵۱ صبح رخ داد. در این زلزله بیشتر کشته‌شدگان کودکان بودند؛ زیرا در ساعت وقوع زلزله، اکثر بزرگسالان برای برداشت محصول زعفران به مزارع رفته بودند. زمین‌لرزه ششم آذر ۱۳۵۸ به‌عنوان دومین رویداد اصلی در این توالی سال ۱۳۵۸، با بزرگای ۷.۱ رخ داد. در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ زمین‌لرزه اردکول-قائن با بزرگای ۷.۱ رخ داد. نکته قابل تأمل آن است که زمین‌لرزه ۱۳۷۶ در همان پهنه‌ای رخ داد که ۱۹ سال پیش از آن، زمین‌لرزه ۱۳۵۸ گسیخته بود و بناهای بازسازی‌شده پس از آن رویداد را مجددا تخریب کرد. وقوع زمین‌لرزه ششم آذر ۱۳۵۸ در یکی از پرتنش‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران رخ داد. کشور در بحبوحه انتقال قدرت از حکومت پهلوی به استقرار جمهوری اسلامی بود و چند رویداد سیاسی مهم، فضای مدیریت بحران را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود. ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر سفارت آمریکا و لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام و ۱۴ آبان ۱۳۵۸ مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، استعفای خود را اعلام کرد. پس از استعفای بازرگان از ۱۴ آبان ۱۳۵۸ تا ۲۹ تیر ۱۳۵۹، «دولت شورای انقلاب» اداره اجرائی کشور را بر عهده داشت. شورای انقلاب پس از استعفای دولت موقت، نقش دولت را نیز ایفا می‌کرد. زمین‌لرزه ۲۳ آبان (کوریزان) فقط ۱۰ روز پس از تسخیر سفارت آمریکا رخ داد و زمین‌لرزه ششم آذر (کولی-بنیاباد) کمتر از دو هفته بعد، در اوج بی‌ثباتی سیاسی و خلأ قدرت اجرائی به وقوع پیوست. امداد و نجات در این زمین‌لرزه عمدتا از سه مسیر اصلی انجام شد. بسیج مردمی و نیروهای محلی به امدادرسانی اولیه پرداختند. مردم منطقه و استان خراسان با توجه به تجربه زمین‌لرزه قبلی (۲۳ آبان) و احساس مسئولیت، به کمک آسیب‌دیدگان شتافتند. جمعیت شیر و خورشید سرخ که حدود هفت ماه بعد به هلال‌احمر تغییر نام یافت، در امدادرسانی اولیه نقش داشت. دستور مستقیم امام خمینی به شورای انقلاب که با فرمانی از شورای انقلاب خواست کمک فوری به زلزله‌زدگان انجام شود. متن فرمان ایشان چنین است: «شورای انقلاب جمهوری اسلامی، به‌طوری که تاکنون اطلاع داده‌اند، فاجعه زلزله خراسان، مصیبت بزرگی به بار آورده است که محتاج به سرعت عمل است. لازم است تمام سازمان‌ها و نیروهای امدادی با هماهنگی به کمک بشتابند و برادران و خواهران خود را نجات دهند. دستور به تمام سازمان‌ها دهید به‌طور ضربتی عمل کنند و هماهنگی را مراعات نمایند». تلفات نسبتا کم زمین‌لرزه ششم آذر -در مقایسه با شدت بالای آن- بیش از هر چیز مرهون کم‌جمعیت‌بودن منطقه و وقوع رویداد در ساعات ابتدایی شب بود، نه لزوما سرعت و کارآمدی عملیات امدادی. امام خمینی(ره) در واکنش به زمین‌لرزه‌های آبان و آذر ۱۳۵۸، رویکردی چندوجهی اتخاذ کردند. صدور اجازه مصرف وجوه شرعیه در هشتم آذر ۱۳۵۸؛ امام خمینی پیامی خطاب به ملت ایران صادر کردند و اجازه دادند از «سهم امام» و «سهم سادات» برای کمک به زلزله‌زدگان استفاده شود. در بخشی از این پیام آمده است: «اینجانب نیز با احساس تکلیف از شما عزیزان می‌خواهم که فرصت را از دست نداده و به این عبادت اسلامی-انسانی بشتابید... اینجانب اجازه می‌دهم که از سهم امام -علیه‌السلام- و سادات نیز محسوب نمایید». این اقدام، مشارکت مالی گسترده مردمی را تسهیل کرد. اعزام نماینده برای بررسی خسارات از سوی امام خمینی صورت گرفت که آیت‌الله صدوقی را به‌عنوان نماینده خود مأمور بررسی میزان خسارت زلزله‌های قائنات (و بعد زلزله‌های ۱۳۶۰ گلباف و سیرچ) کردند. دولت در آن مقطع با محدودیت‌های شدیدی مواجه بود. استعفای دولت موقت، خلأ ساختار اجرائی و تمرکز بخش بزرگی از انرژی سیاسی بر بحران گروگان‌گیری و همه‌پرسی قانون اساسی هم‌زمان در جریان بود. پاسخ دولت به این بحران، به دلیل شرایط سیاسی، از انسجام و سرعت کافی برخوردار نبوده است. بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زمین‌لرزه ۱۳۵۸، نخستین تجربه بزرگ بازسازی پس از انقلاب بود و نهادهای تازه‌تأسیس انقلابی در آن نقش ایفا کردند. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در ۲۱ فروردین ۱۳۵۸ به فرمان امام خمینی و به منظور تأمین مسکن محرومان، به‌ویژه روستاییان، تشکیل شده بود. زمین‌لرزه‌های آبان و آذر ۱۳۵۸، به‌عنوان اولین رخدادهایی بود که در مراحل بازسازی آنها، بنیاد مسکن مداخله داشت. بنیاد مسکن در بازسازی مناطق زلزله‌زده قائنات، اقدام به ساخت واحدهای مسکونی کرد؛ گزارش‌ها حاکی است که در شهرهای قائن و درمیان، ۱۸ هزار واحد مسکونی ساخته و تحویل داده شد. همچنین در جریان بازسازی، ۲۰۰ روستا که تخریب شدید داشتند و ۱۵ هزار واحد مسکونی آسیب‌دیده، مورد توجه قرار گرفتند. در بازسازی منطقه قائنات، انواع مختلفی از سیستم‌های ساختمانی به کار گرفته شد. اسکلت فلزی، اسکلت بتنی، دیوار باربر، اسکلت فلزی همراه با دیوار باربر و دیوار باربر مسلح نشان‌دهنده تلاش برای یافتن الگوهای مناسب ساخت‌وساز در منطقه بود. با این حال، بازسازی انجام‌شده از منظر مهندسی و کیفیت اجرا با انتقادات جدی مواجه شد. ضعف در مهارت کارگران محلی، نبود تخصص کافی و نقش ضعیف دستگاه‌های نظارتی، ازجمله عواملی بودند که کیفیت ساخت‌وساز را تحت‌الشعاع قرار دادند. زمین‌لرزه ۱۳۷۶؛ آزمون واقعی کیفیت بازسازی، ۱۹ سال بعد و در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ رقم خورد. زمین‌لرزه اردکول-قائن با بزرگای ۷.۱ بناهای ساخته‌شده پس از زمین‌لرزه ۱۳۵۸ را مجددا تخریب کرد و خسارات فراوانی به بار آورد. این رویداد نشان داد که بازسازی دهه ۱۳۶۰ نتوانسته بود مقاومت لازم را در برابر زمین‌لرزه‌ای مشابه فراهم کند. در جریان زمین‌لرزه ۱۳۷۶، بیش از هزار و ۷۰۰ نفر کشته شدند و تعداد زیادی روستا به کلی ویران شد. پس از این رویداد، بازسازی مجدد منطقه با رویکردی متفاوت آغاز شد و بر مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی تأکید بیشتری صورت گرفت. با این حال، گزارش‌های بعدی نشان می‌دهد حتی پس از بازسازی ۱۳۷۶ نیز بخش قابل‌توجهی از واحدهای مسکونی منطقه همچنان غیرمقاوم باقی ماندند.

یادداشت

از تماشای دیگری تا فکرکردن به خود

مهدی حجوانی

«۲۱ روز» را پسندیدم؛ آن‌قدر که تصمیم گرفتم درباره‌اش بنویسم. در کنار بعضی برنامه‌های غیرداستانی و موفق نمایش خانگی، این مجموعه هم برای من تجربه‌ای جذاب بود: دیدن آدم‌هایی شناخته‌شده در موقعیت‌هایی سخت که با تصویر آشنای آنها متفاوت است و همراه‌شدن با تجربه‌هایی که می‌تواند ما را به فکرکردن درباره ترس‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌هایمان دعوت کند. یکی از مهم‌ترین اهداف این مجموعه، هماهنگی جسم، ذهن و روان برای غلبه بر ترس‌ها و تردیدهایی است که در زندگی روزمره مانع تحول و پیشرفت ما شده‌اند. سوژه دو قسمت نخست برنامه، ناهید کیانی قهرمان آسیا در تکواندو است که مدال نقره المپیک را هم به ارمغان آورده است. قاعدتا از چنین قهرمانی انتظار نداریم از ارتفاع بترسد؛ اما واقعیت این است که او از ارتفاع می‌ترسد. حالا ما می‌خواهیم بدانیم او چگونه با این ترس روبه‌رو خواهد شد. همین پرسش، مخاطب عام را به دنبال‌کردن تجربه او ترغیب می‌کند. دیدن ترس یک قهرمان، ارزش دیگری هم دارد: آدم موفق هم می‌ترسد، تردید می‌کند و ممکن است از انجام کاری بازبماند. حتی اگر او نتواند بر ترسش غلبه کند، آشکارشدن همین محدودیت می‌تواند اسطوره‌زدایی کند و مخاطب را به این نقطه برساند که ترسیدن، به‌خودی‌خود دلیل بی‌کفایتی نیست. گاهی نشان‌دادن لحظه شکست یک چهره موفق از نمایش پیروزی او به زندگی ما نزدیک‌تر است. حدود ۴۰ سال است با داستان، نوشتن و آموزش ادبیات سروکار دارم. از دوران همه‌گیری کرونا هم تماشای فیلم، سریال و مستند به عادت تقریبا هرشبه من و خانواده‌ام تبدیل شده است. می‌خواهم از جایگاه تماشاگری بی‌ادعا چند کلمه درباره «۲۱ روز» بنویسم. این نوشته ممکن است تأثیر ترویجی داشته باشد؛ زیرا می‌خواهم دیگران را به دیدن برنامه‌ای که پسندیده‌ام ترغیب کنم. اما مقصودم نوشتن متنی تبلیغی نیست که فقط بر امتیازهای اثر تأکید کند و از کاستی‌هایش بگذرد. اولین ملاحظه‌ام به نام مجموعه مربوط است. «۲۱ روز» به‌تنهایی تصویر روشنی از موضوع برنامه به ما نمی‌دهد. با سلامت جسم سروکار داریم؟ تقویت ذهن؟ ورزش؟ تغییر شیوه زندگی؟ معرفی چهره‌های کمتر دیده شده؟ بله، عنوان قرار نیست همه چیز را توضیح دهد، اما می‌تواند کنجکاوی مخاطب را در جهتی روشن برانگیزد. این نام، دست‌کم برای من، چنین کارکردی نداشت. نکته دیگرم به خودِ عدد بازمی‌گردد. اگر ۲۱ روز صرفا مدت همراهی برنامه با میهمانان است، بهتر است این موضوع روشن شود؛ از سوی دیگر، چرا باید مخاطب تصور کند تغییری که شاید زودتر آغاز شده، الزاما به این تعداد روز نیاز دارد؟ شاید در عرض مثلا چهار روز قابل تحقق باشد. مسئله من با عنوان، علاوه بر جذابیت، همین احتمال تبدیل‌شدن یک قالب زمانی به وعده‌ای عمومی است. روشن‌کردن تفاوت میان «مدت برنامه» و «زمان مورد نیاز هر فرد برای تغییر»، به دقت و اعتبار پیام مجموعه کمک می‌کند. ملاحظه بعدی به انسجام روایت بازمی‌گردد. برنامه غیرداستانی هم برای همراه‌کردن مخاطب به کشش نیاز دارد. می‌توان واقعیت را چنان روایت کرد که تماشاگر بخواهد بداند بعد چه می‌شود، بی‌آنکه چیزی ساختگی به آن بیفزاییم. در بخش ناهید کیانی، این رشته اتصال برای من روشن بود. مسئله‌ای وجود داشت: «ترس از ارتفاع». می‌خواستیم شیوه مواجهه ناهید کیانی با ترسش را ببینیم. شخصیت بعدی بنیامین بهادری، خواننده و آهنگ‌ساز و گاه بازیگر است. در بخش‌های مربوط به او، گویی مرکز ثقل برنامه تغییر می‌کند. حضور دوست‌داشتنی خودِ میهمان، عامل اصلی همراهی مخاطب می‌شود. تجربه‌های بنیامین متنوع و دیدنی هستند، اما مسئله‌ای که آنها را به هم پیوند دهد، به روشنی بخش مربوط به ناهید کیانی نیست. بنیامین فواید فستینگ و مواجهه با آب سرد تا تجربه مراسم زار در جنوب و دل به دریا زدن با لنج و سرانجام صخره‌نوردی و یخ‌نوردی را تجربه می‌کند. با این همه، این پرسش باقی می‌ماند که او دقیقا برای مواجهه با کدام مشکل وارد این مسیر شده است. تفاوت میهمانان و تنوع تجربه‌ها امتیاز برنامه است، اما انتظار می‌رفت پرسش مشترک و پیوند میان این مسیرها آشکارتر باشد. می‌توان گفت در تجربه یخ‌نوردی بنیامین، ترس و تردید محسوس است. شاید اگر این موقعیت زودتر مطرح می‌شد، عامل پیوند روایی بخش مربوط به بنیامین با بخش مربوط به ناهید کیانی یعنی «ترس» محکم‌تر می‌شد. در اینجا اشاره‌ای کوتاه به مجموعه «بی‌حدومرز با کریس» می‌شود و هشدارهای آغازین برنامه به مخاطبان هشدار می‌دهد که این کارها را سرخود و بدون حضور مربیان کارکشته امتحان نکنند. در عین حال می‌بینیم بنیامین با یک روز آموزش صخره‌نوردی در سالن، بدون تجربه قبلی وارد مرحله یخ‌نوردی در طبیعت می‌شود. همچنین «الهام نامی» که در زمان حضور در این برنامه حتی دوچرخه‌سواری بلد نیست، می‌خواهد با جهشی ناگهانی موتورسوار حرفه‌ای در پیست شود. ممکن است حس کنیم با نوعی اغراق و حرکات نمایشی مواجه هستیم. اما نقطه قوت مجموعه این است که الهام نامی بعد از پیشرفت در موتورسواری می‌گوید: روزی ناگهان تمام آموخته‌ها و مهارت‌هایی که در زمینه موتورسواری کسب کرده بودم از یادم رفت و به نقطه صفر برگشتم. موتور منحرف شد، زمین خوردم و کمی آسیب دیدم [نقل به مضمون]. شاید برنامه می‌خواهد به مخاطب بگوید که قرار نیست ما همه‌کاره باشیم. فهمیدن اینکه من در فلان کار مهارت ندارم خودبه‌خود یک پیروزی است؛ زیرا کمک می‌کند وقتم را در زمینه‌هایی که در آنها استعداد دارم، صرف کنم. معرفی میهمانان هم می‌توانست کامل‌تر باشد. شهرت هر فرد در میان همه گروه‌های مخاطب یکسان نیست. خود من الهام نامی را در سریال «شکارگاه» دیده بودم، اما هنگام دیدن چهره‌اش در این برنامه، اصلا سابقه بازیگری او را به یاد نیاوردم. در ۲۱ روز، تبلیغات فراوان مجموعه هم گاهی بر تجربه تماشا سایه می‌اندازد. حضور مکرر نشان‌های تجاری و قطع برنامه برای تبلیغ ممکن است تصور درآمدی هنگفت برای سازندگان را ایجاد کند؛ در حالی که اطلاعات موثق به ما می‌گویند پلتفرم فیلیمو مدت‌هاست به علت اوضاع جنگی چیزی به تولیدکنندگان نمی‌پردازد و فقط آگهی در اختیارشان می‌گذارد که برندها هم به علت شرایط جنگی و بحران اقتصادی، پا پس کشیده‌اند. در مجموع، باید با تأسف اعلام کرد که برنامه‌هایی خوش‌ساخت و بامحتوا همچون ۲۱ روز، باید با سیلی صورت خود را سرخ نگه دارند. آنچه مرا به نوشتن این یادداشت ترغیب کرد، مجموعه‌ای از لحظه‌های دیدنی و تأمل‌برانگیز بود: جذابیت طبیعت، تنوع تجربه‌ها و به‌ویژه آشکارشدن ترس و تردید در آدم‌هایی که معمولا تصویر موفق و مسلط آنان را می‌بینیم. «۲۱ روز» برایم اثری حرفه‌ای و دارای دغدغه فرهنگی بود که توانست سرگرمی را با پرسش‌هایی درباره زندگی پیوند دهد. تماشای آن را پیشنهاد می‌کنم، چون ظرفیت دارد از «کنجکاوی درباره زندگی دیگران» آغاز کند و به «شناختی تازه از خود» برسد.

۶۲ هزار دلار

در پی تشدید نگرانی‌ها از کاهش نرخ زاد و ولد و افزایش جمعیت سالمند در ژاپن، حزب حاکم لیبرال‌دموکرات این کشور پیشنهاد پرداخت کمک‌هزینه ۱۰ میلیون ینی (حدود ۶۲ هزار دلار) به خانواده‌ها برای تولد فرزند سوم و فرزندان بعدی را مطرح کرده است؛ طرحی که در کنار مجموعه‌ای از مشوق‌های مالیاتی، حمایتی و آموزشی، با هدف تقویت فرزندآوری و مقابله با بحران جمعیتی ژاپن در دستور کار قرار گرفته است. بحران جمعیتی ژاپن همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بلندمدت این کشور است. این روند، پایداری بازار کار، نظام بازنشستگی و خدمات مراقبت از سالمندان را با چالش روبه‌رو کرده است.

۳۰۰ کشتی

سازمان بین‌المللی دریانوردی با هشدار درباره تداوم ناامنی در تنگه هرمز، اعلام کرد حدود ۳۰۰ کشتی و شش هزار دریانورد از زمان آغاز جنگ ایران در این آبراه گرفتار شده‌اند و چشم‌انداز روشنی برای پایان بحران وجود ندارد. سازمان بین‌المللی دریانوردی اعلام کرد روزانه فقط هشت تا ۱۵ کشتی از تنگه هرمز عبور می‌کنند و شمار زیادی از شناورها ناچار شده‌اند سامانه‌های ناوبری خود را خاموش کنند و برخی کشتی‌های دیگر نیز بدون اعلام حضور خود در منطقه تردد می‌کنند. پیامدهای بحران هرمز به بخش حمل‌ونقل دریایی محدود نخواهد ماند و بخش‌های دیگری از اقتصاد جهان، ازجمله کشاورزی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

شبکه‌خوانی

هوش مصنوعی و پزشکی

جمال صوفیه

نظام‌های مراقبت سلامت در سراسر جهان تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارند و سازمان جهانی بهداشت (WHO) پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰، جهان با کمبود ۱۸ میلیون نفر نیروی کار در حوزه سلامت مواجه خواهد شد. با این حال، هوش مصنوعی این امید را به وجود آورده است که بتواند بخشی از این فشار را کاهش دهد؛ از طریق تشخیص‌های سریع‌تر و دقیق‌تر، درمان‌های بالقوه بهتر و حتی برخوردی انسانی‌تر و دلنشین‌تر با بیماران. ایلیا سوتسکور، از صاحب‌نظران برجسته یادگیری عمیق، می‌گوید هوش مصنوعی‌ای که برای ایفای نقش پزشک طراحی شود، «دانشی کامل و جامع از تمام متون پزشکی خواهد داشت، میلیاردها ساعت تجربه بالینی خواهد اندوخت، همواره در دسترس و هزینه استفاده از آن بسیار ناچیز خواهد بود. وقتی چنین اتفاقی بیفتد، به مراقبت‌های سلامت امروزی همان‌گونه نگاه خواهیم کرد که امروز به دندان‌پزشکی قرن شانزدهم می‌نگریم». همکاری میان انسان و هوش مصنوعی، به‌گونه‌ای که انسان همچنان تصمیم‌گیرنده نهایی باشد، بهترین شیوه عمل تلقی می‌شود. اما نکته جالب اینجاست که با ظهور هوش مصنوعی مولد و پیشرفت این حوزه، مطالعاتی انجام شده‌اند که نشان می‌دهند پزشکانی که از کمک هوش مصنوعی بهره می‌گیرند، در مقایسه با زمانی که به‌تنهایی کار می‌کنند، به تشخیص‌های به‌مراتب بهتری دست می‌یابند. با این حال، هوش مصنوعی در صورت فعالیت مستقل نیز می‌تواند تشخیص‌هایی حتی بهتر ارائه دهد. اما آیا واقعا بیشتر بیماران همچنان ترجیح نمی‌دهند با انسانی روبه‌رو شوند، نه با هوش مصنوعی‌ای سرد و بی‌احساس؟ در واقع، مطالعات دیگری نیز به تدریج نشان می‌دهند هوش مصنوعی مولد می‌تواند پاسخ‌هایی به‌مراتب همدلانه‌تر از بسیاری از پزشکان ارائه دهد و بیماران نیز اغلب این پاسخ‌ها را ترجیح می‌دهند. پژوهشگران در حال آزمایش استفاده از واقعیت مجازی شخصی‌سازی‌شده در محیط آسایشگاه‌های مراقبت تسکینی هستند تا بهزیستی و کیفیت زندگی بیماران را بهبود بخشند. حضور فیزیکی دوستان یا اعضای خانواده همیشه امکان‌پذیر نیست، اما این فناوری امکان دیدار با آنان را در محیطی مجازی و آشنا یا زیبا فراهم می‌کند. افزون بر این، با توجه به پیشرفت فناوری تولید ویدئو با هوش مصنوعی، فرصت‌های بیشتری فراهم شده است تا بیماران به‌صورت مجازی از آسایشگاه خارج شوند و به هر مکان و شاید هر زمانی سفر کنند که تخیلشان آنان را به آنجا می‌برد. در بیمارستان‌ها نیز چه ضرورتی دارد که مشاوره پزشکی در دفتری دلگیر و بی‌روح انجام شود، در حالی که می‌توان آن را در چمنزاری زیبا در کوهستان‌های سوئیس برگزار کرد؟ این فناوری همچنین امکان پیش‌بینی خطر ابتلای شما به برخی بیماری‌ها را فراهم می‌کند و به این ترتیب، می‌توان مدت‌ها پیش از بروز علائم، اقدامات پیشگیرانه لازم را انجام داد. افزون بر این، گسترش روزافزون دستگاه‌های پزشکی شخصی -روندی که همچنان ادامه خواهد یافت- امکان پایش پیوسته و دقیق‌تر وضعیت سلامت را فراهم می‌کند. در چنین شرایطی، هوش مصنوعی شما می‌تواند هرگونه نگرانی یا نشانه هشداردهنده را بی‌درنگ به پزشک معالج‌تان گزارش دهد؛ خواه پزشک انسانی باشد، خواه مجازی.

اکنون که بسیاری از مشاوره‌های پزشکی به‌جای ملاقات حضوری، به‌صورت آنلاین انجام می‌شود، به‌راحتی می‌توان تصور کرد هوش مصنوعی نخستین مرجع بیماران باشد؛ اما خطر آن وجود دارد که فناوری به مانعی بر سر راه دسترسی انسان‌ها به مراقبت‌های سلامت مورد نیازشان تبدیل شود. در این مهم‌ترین عرصه، باید به هر قیمتی از سندروم «رایانه می‌گوید نه» پرهیز و تعادل مناسبی برقرار کرد. مهم‌ترین نکته این است که بیمار، تا حد امکان، خودش تصمیم بگیرد ترجیح می‌دهد مستقیما با هوش مصنوعی کار کند یا با پزشکی که از پشتیبانی هوش مصنوعی بهره می‌برد. هرچه بیشتر به سوی آینده‌ای حرکت کنیم که در آن همه افراد از کمک دستیاران هوش مصنوعی برخوردارند، این ایده‌ها آشناتر و استفاده از آنها آسان‌تر خواهد شد.